

مناجات شعبانیه

الإقبال عن ابن خالويه : إِنَّهَا (أَيُّ الْمُنَاجَاةِ الشَّعْبَانِيَّةِ) مُنَاجَاةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَالْأَيَّامَةُ مِنْ وُلْدِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، كَانُوا يَدْعُونَ بِهَا فِي شَهْرِ شَعْبَانَ :

این، مناجات امیرمؤمنان علی بن ابی طالب و امامان از نسل ایشان است که در هر ماه شعبان آن را می خواندند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاسْمِعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ، وَاسْمِعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ، وَأَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَاجَيْتُكَ، فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ، وَوَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ مُسْتَكِينًا لَكَ مُتَضَرِّعًا إِلَيْكَ، رَاجِيًا لِمَا لَدَيْكَ،

«بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و هرگاه دعایت می کنم، دعایم را بشنو و هرگاه صدایت می زنم، به صدایم گوش فرا ده و هرگاه با تو مناجات می کنم، به من توجه کن که من به سوی تو گریخته ام و ذلیلانه، در پیشگاهت ایستاده ام و به سوی تو زاری می کنم. به آنچه نزد توست، امید دارم.

تَرَانِي وَتَعَلَّمُ مَا فِي نَفْسِي، وَتُخْبِرُ حَاجَتِي وَتَعْرِفُ ضَمِيرِي، وَلَا يَخْفَى عَلَيْكَ أَمْرٌ مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ، وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُبَدِيَ بِهِ مِنْ مَنَاطِقِي، وَأَتَفَوَّهُ بِهِ مِنْ طَلِبَتِي، وَأَرْجُوهُ لِعَافِيَتِي،

مرا می بینی و آنچه را در دلم هست، می دانی و از حاجتم خبرداری و از درونم آگاهی و پایان کار و جایگاهم بر تو پنهان نیست و یا آنچه که می خواهم به زبانم بیان کنم و یا درخواستی که می خواهم در باره اش سخن بگویم و برای عاقبتم به آن امید دارم. و قد جرت مقاديرك علي يا سيدي فيما يكون مني إلى آخر عمري، من سريرتي وعلانياتي، وبيدك لا بيد غيرك زيادتي ونقصي، ونفعي وضرري.

مقدرات بر من و در آنچه که در ظاهر و باطنم تا آخر عمرم از من سر می زند، جاری است، ای آقای من! و فزونی و کاهش و سود و زیان من به دست توست، و نه به دست دیگری.

إِلَهِي إِنْ حَرَمْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْزُقُنِي؟ وَإِنْ خَذَلْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُنِي؟ إِلَهِي أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَضَبِكَ وَحُلُولِ سَخَطِكَ. خدای من! اگر مرا محروم کنی، چه کسی مرا روزی خواهد داد؟ و اگر تنهایم گذاری، چه کسی یاری ام خواهد کرد؟ خدای من! از خشم و ناخشنودی تو به تو پناه می برم.

إِلَهِي إِنْ كُنْتُ غَيْرَ مُسْتَأْهِلٍ لِرَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيَّ بِفَضْلِ سَعَتِكَ.

خدای من! اگر من شایسته رحمت تو نیستم، تو شایسته آن هستی که به فضل گسترده ات بر من بیخشایی.

إِلَهِي كَأَنِّي بِنَفْسِي وَاقِفَةٌ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَقَدْ أَظْلَمَ حُسْنُ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ، فَفَعَلْتَ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَتَعَمَّدْتَنِي بِعَفْوِكَ.

خدای من! گویی در پیشگاهت ایستاده ام و توکل نیکویم به تو، بر من سایه افکنده است و تو آنچه را که شایسته توست، انجام می دهی و مرا در گذشت خود فرو برده ای.

إِلَهِي إِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِذَلِكَ؟ وَإِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي وَلَمْ يُدْنِنِي مِنْكَ عَمَلِي، فَقَدْ جَعَلْتُ الْإِقْرَارَ بِالذَّنْبِ إِلَيْكَ وَسَيْلَتِي.

خدای من! اگر از من درگذری، چه کسی شایسته تر از تو برای این کار است؟ و اگر مرگم نزدیک شده است و کردارم مرا به تو نزدیک نساخته است، اقرار به گناه را وسیله ای به سوی تو قرار داده ام.

إِلَهِي قَدْ جُرْتُ عَلَى نَفْسِي فِي النَّظَرِ لَهَا، فَلَهَا الْوَيْلُ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَهَا،

خدای من! در توجّه به خویش بر خود ستم کردم و اگر مرا نیامرزی، پس وای بر من!

إِلَهِي لَمْ يَزَلْ بِرُكِّ عَلَيَّ أَيَّامَ حَيَاتِي، فَلَا تَقْطَعْ بِرُكِّ عَنِّي فِي مَمَاتِي.

خدای من! در طول زندگی ام همواره به من نیکی کردی. پس نیکی خود را به هنگام مرگم از من قطع مکن.

إِلَهِي كَيْفَ آيَسُ مِنْ حُسْنِ نَظْرِكَ لِي بَعْدَ مَمَاتِي، وَأَنْتَ لَمْ تُؤَلِّنِي إِلَّا الْجَمِيلَ فِي حَيَاتِي؟

خدای من! چگونه از نگاه نیکوی تو پس از مرگم ناامید شوم، حال آن که در زندگی ام، جز نیکی به من نکردی؟

إِلَهِي تَوَلَّى مِنْ أَمْرِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَعُدَّ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ عَلَى مُذْنِبٍ قَدْ غَمَّرَهُ جَهْلُهُ.

خدای من! کارهای مرا آن گونه که شایسته توست، سرپرستی کن و به فضل خود، بر گنهکاری که نادانی او را فراگرفته، توجّه فرما.

إِلَهِي قَدْ سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوبًا فِي الدُّنْيَا، وَأَنَا أَحْوَجُ إِلَى سَتْرِهَا عَلَيَّ مِنْكَ فِي الْآخِرَةِ.

خدای من! گناهانی را در دنیا برای من پوشیده داشتی که من به پوشیده داشتن آنها در آخرت نیازمندترم،

إِلَهِي قَدْ أَحْسَنْتَ إِلَيَّ إِذْ لَمْ تُظْهِرْهَا لِأَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، فَلَا تَفْضَحْنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى رُؤُوسِ الْأَشْهَادِ.

خدایا! تو بر من نیکی کردی که آنها را بر هیچ یک از بندگان صالحت آشکار نکردی. پس در روز قیامت، در برابر همه مردم، مرا

رسوا مساز.

إِلَهِي جُودُكَ بَسَطَ أَمَلِي، وَعَفْوُكَ أَفْضَلُ مِنْ عَمَلِي. إِلَهِي فَسِّرْنِي بِلِقَائِكَ يَوْمَ تَقْضَى فِيهِ بَيْنَ عِبَادِكَ.

خدای من! گشاده دستی تو امید مرا گسترش داده، و گذشت تو برتر از عمل من است. خدای من! در روزی که بین بندگان

داوری می کنی، مرا با دیدارت شادمان ساز.

إِلَهِي اعْتِذَارِي إِلَيْكَ اعْتِذَارُ مَنْ لَمْ يَسْتَغْنِ عَنْ قَبُولِ عُذْرِهِ، فَاقْبَلْ عُذْرِي يَا أَكْرَمَ مَنْ اعْتَذَرَ إِلَيْهِ الْمُسِيؤُونَ.

خدای من! عذرخواهی من به درگاهت، عذرخواهی کسی است که از پذیرش عذرش بی نیاز نیست. پس عذرم را بپذیر، ای

کریم ترین کسی که گنهکاران در نزدش عذرخواهی می کنند!

إِلَهِي لَا تَزِدَّ حَاجَتِي، وَلَا تُخَيِّبْ طَمَعِي، وَلَا تَقْطَعْ مِنْكَ رَجَائِي وَأَمَلِي.

خدای من! حاجتم را رد مکن و امیدم را ناامید مکن، و امید و آرزویم را از خودت قطع مفرما.

إِلَهِي لَوْ أَرَدْتَ هَوَانِي لَمْ تَهْدِنِي، وَلَوْ أَرَدْتَ فَضِيحَتِي لَمْ تُعَافِنِي.

خدای من! اگر می خواستی خوارم کنی، هدایت من نمی کردی، و اگر می خواستی رسوایم سازی، آسودگی ام نمی بخشیدی.

إِلَهِي مَا أَظُنُّكَ تَرُدُّنِي فِي حَاجَةٍ قَدْ أَفْنَيْتُ عُمْرِي فِي طَلَبِهَا مِنْكَ.

خدای من! به تو چنین گمانی نمی برم که حاجتی را که عمرم را در طلب آن سپری کرده ام، رد کنی.

إلهي فَلَكَ الْحَمْدُ أَبَدًا أَبَدًا دَائِمًا سَرْمَدًا، يَزِيدُ وَلَا يَبِيدُ كَمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى .

خدای من! سپاس همواره و همواره، همیشه و بی پایان، فزونی یابنده و کاستی ناپذیر، از آن توست، همان گونه که دوست داری و خشنودی.

إلهي إن أَخَذْتَنِي بِجُرْمِي أَخَذْتَنِي بِعَفْوِكَ، وَإِن أَخَذْتَنِي بِذُنُوبِي أَخَذْتَنِي بِمَغْفِرَتِكَ، وَإِن أَخَذْتَنِي النَّارَ أَعَلِمْتُ أَهْلَهَا أَنِّي أُحِبُّكَ .

خدای من! اگر به جرمم مرا بگیری، به عفو تو را می گیرم، و اگر به گناهانم مرا بگیری، به گذشت تو را می گیرم، و اگر مرا به دوزخ اندازی، به همه دوزخیان اعلام خواهم کرد که دوستت دارم.

إلهي إِنْ كَانَ صَعْرٌ فِي جَنْبِ طَاعَتِكَ عَمَلِي فَقَدْ كَبُرَ فِي جَنْبِ رَجَائِكَ أَمَلِي .

خدای من! اگر در برابر اطاعت از تو اعمالم اندک است، در کنار امیدواری به تو آرزوهایم بزرگ است .

إلهي كَيْفَ أَنْقَلِبُ مِنْ عِنْدِكَ بِالْحَيَبَةِ مَحْرُومًا، وَقَدْ كَانَ حُسْنُ ظَنِّي بِجُودِكَ أَنْ تَقْلِبَنِي بِالنَّجَاةِ مَرْحُومًا؟!

خدای من! چگونه از نزد تو دست خالی و ناامید بروم، حال آن که چشمداشت من به بخشش تو آن است که مرا نجات یافته بازگردانی؟

إلهي وَقَدْ أَفْنَيْتُ عُمُرِي فِي شِرَّةِ السُّهُوِ عَنكَ، وَأَبْلَيْتُ شَبَابِي فِي سَكْرَةِ التَّبَاعُدِ مِنْكَ .

خدای من! عمرم را در حرص فراموشی تو گذراندم و جوانی ام را در مستی دوری از تو نابود کردم .

إلهي فَلَمْ أَسْتَيْقِظْ أَيَّامَ اغْتِرَارِي بِكَ، وَرُكُونِي إِلَى سَبِيلِ سَخَطِكَ .

خدای من! در روزگار مغرور شدنم بر تو و گرایشم به راه خشم تو، بیدار نشدم .

إلهي وَأَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ، قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيْكَ، مُتَوَسِّلٌ بِكَرَمِكَ إِلَيْكَ .

خدای من! بنده تو و فرزند بنده تو ام که در پشت ایستاده ام و به امید کرم تو به تو متوسل شده ام .

إلهي أَنَا عَبْدٌ أَتَنَصَّلُ إِلَيْكَ مِمَّا كُنْتُ أُوَاجِهُكَ بِهِ مِنْ قِلَّةِ اسْتِحْيَائِي مِنْ نَظْرِكَ، وَأَطْلُبُ الْعَفْوَ مِنْكَ إِذِ الْعَفْوُ نَعْتُ لِكْرَمِكَ .

خدای من! بنده ای هستم که از کم حیایی خود در برابر نظر تو، که با آن با تو رودررو می شدم، عذر می خواهم و از تو درخواست گذشت دارم؛ چرا که گذشت، زیب بزرگواری توست.

إلهي لَمْ يَكُنْ لِي حَوْلٌ فَأَنْتَقِلَ بِهِ عَن مَعْصِيَتِكَ إِلَّا فِي وَقْتِ أَيْقَظْتَنِي لِمَحَبَّتِكَ، وَكَمَا أَرَدْتَ أَنْ أَكُونَ كُنْتُ، فَشَكَرْتُكَ بِإِدْخَالِي فِي كَرَمِكَ، وَلِتَطْهِيرِ قَلْبِي مِنْ أَوْسَاقِ الْغَفْلَةِ عَنكَ .

خدای من! برای من توانی نبود تا به وسیله آن از نافرمانی ات بیرون روم، مگر آن گاه که برای محبتت مرا بیدار کردی و آن گونه که خواستی باشم، شدم . پس تو را شکر می گویم، برای این که مرا در کرمت داخل کردی و برای پاک کردن دل من از چرک های غفلت از خودت .

إِلَهِي انظُرْ إِلَيَّ نَظْرَ مَنْ نَادَيْتَهُ فَأَجَابَكَ، وَاسْتَعْمَلْتَهُ بِمَعُونَتِكَ فَأَطَاعَكَ، يَا قَرِيبًا لَا يَبْعُدُ عَنِ الْمُغْتَرِّبِ، وَيَا جَوَادًا لَا يَبْخُلُ
عَمَّنْ رَجَا ثَوَابَهُ.

خدای من! به من، چونان کسی بنگر که تو را می خواند و پاسخش می دهی و به یاری خود به کارش گرفته ای و او اطاعتت کرده است. ای نزدیکی که از فریفته خود دور نیستی! ای بخشنده ای که بر آن که امید پاداش دارد، بخل نمی ورزی!
إِلَهِي هَبْ لِي قَلْبًا يُدْنِيهِ مِنْكَ شَوْقُهُ، وَلِسَانًا يَرْفَعُهُ إِلَيْكَ صِدْقُهُ، وَنَظْرًا يُقَرِّبُهُ مِنْكَ حَقُّهُ.
خدای من! به من دلی ده که شوقش مرا به تو نزدیک سازد، و زبانی که راستگویی اش او را به سوی تو کشاند، و توجهی که
حَقُّش، او را به تو نزدیک کند.

إِلَهِي إِنَّ مَنْ تَعَرَّفَ بِكَ غَيْرُ مَجْهُولٍ، وَمَنْ لَادَبَكَ غَيْرُ مَخْذولٍ، وَمَنْ أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ غَيْرُ مَمْلوكٍ ﴿١﴾.

خدای من! کسی که با تو شناخته شده باشد، ناشناخته نیست، و آن که به تو پناه برد، وامانده نیست، و آن که تو به او روی آوری، آزاد است.

إِلَهِي إِنَّ مَنْ انْتَهَجَ بِكَ لِمُسْتَنْيرٍ، وَإِنَّ مَنْ اعْتَصَمَ بِكَ لِمُسْتَجِيرٍ، وَقَدْ لَدْتُ بِكَ.

خدای من! کسی که با تو راه جوید، به نور راه برده است، و آن که به تو متوسل شده، به پناهگاه راه یافته است، و من به تو پناه جسته ام.
يَا إِلَهِي فَلَا تُحَيِّبْ ظَنِّي مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلَا تُحْجِبْنِي عَنْ رَأْفَتِكَ.

خدای من! امید من را به رحمت ناکام مکن، و از لطفت محروم مساز.

إِلَهِي أَقْنِي فِي أَهْلِ وَلَايَتِكَ مُقَامَ رَجَاءِ الزِّيَادَةِ مِنْ مَحَبَّتِكَ.

خدای من! مرا در بین دوستان در جایگاه امید به فزونی محبتت بنشان.

إِلَهِي وَأَهْمِنِي وَهَذَا بِذِكْرِكَ إِلَيَّ ذِكْرِكَ، وَاجْعَلْ هَمِّي فِي رَوْحِ نَجَاحِ أَسْمَائِكَ وَمَحَلِّ قُدْسِكَ.

خدای من! به من شیدایی یاد پیایی خود را الهام کن، و همتم را در معنویت پیروزی نام های تو و جایگاه قدس خود قرار ده.

إِلَهِي بِكَ عَلَيْكَ إِلَّا الْحَقَّتَنِي بِمَحَلِّ أَهْلِ طَاعَتِكَ، وَالْمَثْوَى الصَّالِحِ مِنْ مَرْضَاتِكَ، فَإِنِّي لَا أَقْدِرُ لِنَفْسِي دَفْعًا، وَلَا أَمْلِكُ
لَهَا نَفْعًا.

خدای من! سوگند به خودت، بر توست که مرا به جایگاه اهل اطاعتت و جایگاه شایسته ای از خشنودی ات ملحق کنی؛ چرا که
من خود نمی توانم زبانی را برطرف کنم و یا نفعی را به سوی خود جلب کنم.

إِلَهِي أَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ المَذْنِبُ، وَمَمْلوكُكَ المَعِيبُ، فَلَا تَجْعَلْنِي مِمَّنْ صَرَفَتْ عَنْهُ وَجْهَكَ، وَحَجَبَهُ سَهْوُهُ عَنِ

عَفْوِكَ.

خدای من! بنده ضعیف و گناهکار و بنده عیبدار تو ام. مرا از آنانی قرار مده که از ایشان روی گردانده ای و اشتباهاتشان آنها را از
گذشت تو محروم ساخته است.

إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ، وَأَنْزِ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بَضِيَاءَ نَظَرِهَا إِلَيْكَ، حَتَّى تَخْرِقَ أَبْصَارَ الْقُلُوبِ حُجُبَ التَّوَرِ،

فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعِظْمَةِ، وَتَصِيرَ أَرْوَاحُنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ.

خدای من! مرا به کمال جدایی از غیر خود عنایت کن، و دیده دل های ما را به نور نگریستن به سوی خودت روشنی بخش، تا دیده دل ها، حجاب های نور را بشکافد و به معدن عظمت متصل گردد، و روح هایمان به عزت مقدس تو بیاویزند.

إلهی واجعلنی مِّنْ نَّادِيَتُهُ فَأَجَابِكَ، وَلَا حَظَّتْهُ فَصَعِقَ لِجَلَالِكَ، فَنَاجِيَتُهُ سِرًّا وَعَمِلَ لَكَ جَهْرًا.

خدای من! مرا از کسانی قرار ده که آنها را خوانده ای و پاسخ داده اند و به ایشان توجه کرده ای و در برابر شکوهت بیهوش گشته اند، و با آنان به خفا راز گفته ای و آنان در آشکارا عمل کرده اند.

إلهی لَمْ أُسَلِّطْ عَلَى حُسْنِ ظَنِّي قُنُوطَ الْإِيَّاسِ، وَلَا انْقَطَعَ رَجَائِي مِنْ جَمِيلِ كَرَمِكَ.

خدای من! انبوه ناامیدی ها را بر خوش گمانی خودم مسلط نمی کنم، و امیدم را از کرامت های زیبایی نمی برم.

إلهی إِنْ كَانَتْ الْخَطَايَا قَدْ أَسْقَطْتَنِي لَدَيْكَ فَاصْفَحْ عَنِّي بِحُسْنِ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ.

خدای من! اگر خطاها مرا در نزدت حقیر کرده اند، به حق توکل نیکویی که به تو دارم، از من درگذر.

إلهی إِنْ حَطَّتَنِي الذُّنُوبُ مِنْ مَكَارِمِ لُطْفِكَ، فَقَدْ نَبَّهْتَنِي الْيَقِينَ إِلَى كَرَمِ عَطْفِكَ.

خدای من! اگر گناهانم مرا از [دستیابی به] لطف های بزرگت فرو کشیده اند، یقینم به بزرگی مهتر مرا بیدار کرده است.

إلهی إِنْ أَنْامَتَنِي الْغَفْلَةُ عَنِ الْإِسْتِعَادِ لِلِقَائِكَ، فَقَدْ نَبَّهْتَنِي الْمَعْرِفَةَ بِكَرَمِ آلائِكَ.

خدای من! اگر غفلت مرا از آماده شدن برای دیدارت باز داشته است، معرفت عظمت نعمت هایت مرا بیدار کرده است.

إلهی إِنْ دَعَانِي إِلَى التَّارِ عَظِيمِ عِقَابِكَ، فَقَدْ دَعَانِي إِلَى الْحِجَّةِ جَزِيلِ ثَوَابِكَ.

خدای من! اگر کیفر بزرگت مرا به دوزخ می خواند، فراوانی پاداشت مرا به جنت می خواند.

إلهی فَلَكَ أَسْأَلُ، وَإِلَيْكَ أَبْتِهَلُ وَأَرْعَبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُدِيمُ ذِكْرَكَ، وَلَا يَنْقُضُ عَهْدَكَ، وَلَا يَغْفُلُ عَنِ شُكْرِكَ، وَلَا يَسْتَخِفُّ بِأَمْرِكَ.

خدای من! از تو درخواست می کنم، در پیشگاه تو زاری می کنم و به تو امید می برم و از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد، درود فرستی و مرا از کسانی قرار دهی که همواره تو را یاد می کنند و پیمانت را نمی شکنند و از شکر غافل نیستند و فرمانت را سبک نمی شمارند.

إلهی وَالْحَقْفَى بِنُورِ عِزِّكَ الْأَبْهَجِ، فَأَكُونَنَّ لَكَ عَارِفًا، وَعَنْ سِوَاكَ مُنْحَرِفًا، وَمِنْكَ خَائِفًا مُرَاقِبًا، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِهِ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَسَلَّم تَسْلِيمًا كَثِيرًا.^۲

خدای من! مرا به نور عزت پر سرور خود، ملحق کن تا عارف به تو گردم و از غیر تو روی بگردانم و از تو بیمناک و مراقب خواست تو باشم. ای صاحب شکوه و بخشندگی! درود خدا و سلام فراوان وی بر محمد، پیامبر خدا و خاندان پاکش باد!

^۱ دانشنامه امیرالمؤمنین علیه السلام بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، ج ۱۰ ص ۱۹۰

^۲ وفي نسخة: «مملول»

الإقبال : ج ٣ ص ٢٩٥ ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٩٦ ح ١٣ .